

حجت‌اله صیدی، کارشناس اقتصاد، موانع تحقق برنامه هفتم توسعه را بررسی می‌کند

برنامه هفتم منهای زیرساخت



● در واقع شما می‌خواهید بگویید که علت محقق نشدن برنامه‌های توسعه‌ای، بلندپروازی نیست؟

کالا بخرد یا نه؟ آیا می‌تواند مشارکت خارجی داشته باشد یا نه؟ گرفتاری بزرگ اقتصاد کشور این است که قوانین مالیاتی و تعرفه‌ها و انواع و اقسام مقررات مدام دچار نوسانات زیاد می‌شود و همین مسئله سبب می‌شود انگیزه سرمایه‌گذاری مدام نزولی شود. درواقع مجموعه‌ای از مشکلات وجود دارد که باعث شده است سرمایه آن‌گونه که باید و شاید تشکیل نشود و باز تأکید می‌کنم که تحریم در کنار ناکارآمدی سبب شده سرمایه‌گذاری نشود و وقتی سرمایه‌گذاری نشود، طبیعتاً شغل نیز ایجاد نمی‌شود. ما می‌توانیم آمار را بالا و پایین ببریم، ولی واقعیت را نمی‌توان انکار کرد و شغل ایجاد نمی‌شود.

● **جرا ایده شراکت با بلوک شرق جواب نداد و نتیجه سند ۲۵ساله همکاری بین ایران و چین آن شد که سرمایه‌گذاری چینی‌ها در ایران کمتر از افغانستان باشد؟**

این مسئله را من کاملاً به نحوه عملکرد خودمان مربوط می‌دانم نه به تمایل داشتن یا تمایل‌نداشتن چینی‌ها. بالاخره هر کشوری دنبال منافع خودش است و طبیعی است که چین این وسط چک‌چانه بزند و به بعضی چیزها رغبت نداشته باشد و نسبت به بعضی چیزها راغب‌تر باشد. اما درباره سند همکاری ۲۵ساله، به نظرم ما در کشور در این رابطه کم‌کوتاهی نکرده‌ایم. آن سند یک سند بالادستی بوده و هست و باید تبدیل به نقشه راه و قرارداده‌ای می‌شد و بعد از دل آن قرارداده‌ها باید اکشن‌پلن یا برنامه اقدام عملی درمی‌آمد. در مورد روسیه هم وضعیت به همین منوال است؛ چون اساساً سرمایه‌گذاری، فرایندی برد-برد است؛ یعنی اگر بنده بخواهم با شما مشارکت کنم، شما دوست دارید سودتان را ببرید و من هم دوست دارم سودم را ببرم. اگر انتظار داشته باشیم فقط یک طرف سود ببرد، حتماً نمی‌شود؛ یعنی با هیچ کشوری این رفتار ممکن نیست.

به قول معروف می‌گویند «در اقتصاد ناهار مجانی نداریم» یا مشارکت مثلاً دوست و برادری و این الفاظ را نمی‌شناسد و ما باید جاذبه سرمایه‌گذاری ایجاد کنیم، در عین اینکه منافع ملی خودمان را پیش می‌بریم.

● **ما در حال حاضر شاهد رواج شبه‌علم در سطوح بالای مدیریتی هستیم و مسائلی مانند «پایتون» مطرح می‌شود که در فضای عمومی اسباب شش‌وخی و طنز می‌شود. لطفاً کمی درباره کیفیت و سطح علمی برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای کشور صحبت کنید.**

متأسفانه باید بگویم در یکی، دو دهه اخیر اتکای مدیریتی کشور به روش‌های علمی کم و کمتر شده و این مسئله الان به صورت علنی‌تر احساس می‌شود. متأسفانه باید گفت که در اداره کشور حرکت به سمت روش‌های ذهنی و کشف و شهودی و فی‌البداهه بوده و این مسئله ضربه‌های بزرگی به توسعه کشور زده است. در دانشگاه هم تلاش بر این بوده که وزن پژوهش واقعی پایین بیاید و این مسئله برای توسعه کشور سم است. رنگ‌های هشدار برای این اتفاق ناگوار باید از زمانی به صدا درمی‌آمد که فروش پایان‌نامه دانشگاهی باب شد و در حال حاضر ما شاهد هستیم که نهاد دانشگاه تضعیف شده و تولید پایان‌نامه‌های فروشی و جعلی باب شده است و

شرق؛ زیرساخت‌های تحقق برنامه هفتم توسعه مهیا نیست. این نکته‌ای است که حجت‌اله صیدی، کارشناس اقتصاد، مطرح می‌کند و توضیح می‌دهد که برای رسیدن به رشد سالانه هشت درصد نیاز است که تولید ناخالص داخلی از ۳۷۰ میلیارد دلار فعلی به ۵۰۰ میلیارد دلار برسد و درواقع سالانه ۱۳۰ میلیارد دلار به رقم تولید ناخالص داخلی افزوده شود. به گفته صیدی برای این کار نیاز به صادرات سه میلیون بشکه نفت و حدود دوبرابرشدن تولید و صادرات پتروشیمی و فولاد است که البته برای این کار نیاز به توسعه زیرساخت‌های انرژی و ساخت نیروگاه‌های جدید است؛ اما ایران در عین اینکه از فقر سرمایه‌گذاری خارجی رنج می‌برد، گرفتار ناترازی انرژی است.

صادرات نفت و محصولات پتروشیمی و سنگ آهن و فولاد و صادرات آلومینیوم و مس و اینها همه به سطوح مطلوبی برسد. ضمن اینکه برای افزایش تولید و افزایش تعداد نیروگاه‌ها نیاز است که ناترازی گاز هم رفع شود. من براساس آمارهایی که وزارت نفت منتشر کرده است، عرض می‌کنم که اگر اقدامی در زمینه رفع ناترازی گاز انجام نشود، باید از سال آینده گاز وارد کنیم.

● **برای تأمین سرمایه مورد نیاز رشد اقتصادی هشتدرصدی چه باید کرد؟**

دو راه وجود دارد؛ یا اینکه سرمایه از داخل تأمین شود و برای تأمین این سرمایه از داخل نیاز است که صادرات آن‌قدر افزایش داشته باشد که به سطح ۸۰ تا ۹۰ میلیارد دلار در سال برسد که بتوانیم بخشی از آن را مثلاً ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کنیم یا اینکه سرمایه مورد نیاز از خارج از کشور تأمین شود که این مسئله نیازمند توافق هسته‌ای است و نکته مهم دیگر نیازمند پیوستن ایران به اف‌ای‌تی‌اف و دیگر آنکه ساختار اقتصاد کشور باید اصلاح شود و نظام بازار را حاکم کند و نرخ بهره‌وری بالا برود و... در واقع باید بگویم که اگر این ساختار اصلاح نشود، به نظرم هیچ‌کدام از اهداف برنامه هفتم توسعه محقق نمی‌شود و نتیجه همان تورم بالا می‌شود و باید تأکید کنم که اگر با این دست‌فرمانی که در این سه، چهار سال پیش آمدیم، پیش برویم، این اعدادی که در برنامه هفتم توسعه پیش‌بینی شده، محقق نمی‌شود. نکته دیگر اینکه درحال حاضر یک فصل از سال ۱۴۰۲ گذشته است و یکی از ضروری‌ترین اقدامات این است که دولت همین الان باید اصلاحیه‌ای برای بودجه ۱۴۰۲ بدهد که تورم اگر کاهش ندارد، حداقل افزایش هم نداشته باشد و دولت همین الان باید بودجه ۱۴۰۲ را اصلاح بکند؛ وگرنه بدون شک تورم امسال افزایشی خواهد بود. خب تا همین جای کار عملاً سال اول برنامه هفتم توسعه، به جای اینکه کشور به سمت محقق‌شدن برنامه برود، عملاً دارد از اهداف دور می‌شود.

● **آقای دکتر در برنامه هفتم توسعه، ایجاد سالانه یک میلیون شغل پیش‌بینی شده است. در شرایطی که شاهد استهلاک سرمایه و خروج درخور توجه سرمایه از کشور هستیم، چگونه چنین چیزی ممکن است؟**

این نکته بسیار درستی است و یک بخش مهم آن به تحریم برمی‌گردد و تحریم باعث می‌شود که سرمایه‌گذاری جدید صورت نگیرد؛ بنابراین باید گفت که یک عامل کلیدی برای تحقق برنامه هفتم توسعه توافق پایدار هسته‌ای است و هرچه این واقعیت انکار شود و به تعویق بیفتد، از برنامه‌های توسعه‌ای بیشتر عقب می‌افتیم؛ بنابراین ما برای تحقق برنامه هفتم توسعه نیاز داریم که سطح درآمد کشور را افزایش دهیم و سرمایه خارجی وارد کشور شود و صادراتی که داریم انجام می‌دهیم، پولش با هزینه کمتر به کشور برگردد تا سرمایه‌گذاری شود. دوم اینکه ما قوانین خوبی برای جذب سرمایه خارجی و جذب سرمایه‌گذاری در ایران داریم؛ ولی این قوانین رعایت نمی‌شود و مشکلات عدیده‌ای در جذب سرمایه، چه داخلی و چه خارجی، ایجاد کرده است.

سوم، مسئله بهبود فضای کسب‌وکار است. هنوز ما می‌بینیم که مباحث مربوط به مالکیت مشکل دارد؛ برای مثال شرکت‌هایی مانند ایران‌خودرو، سایپا، مس، فولاد مبارکه، بانک ملت، بانک صادرات، بانک تجارت و... به‌نوعی مالکیت ترکیبی دارند و کسی نمی‌داند بالاخره بخش خصوصی هستند یا بخش عمومی؟ عامل مهم دیگر در سرمایه‌گذاری، میزان پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد است. شما وقتی نمی‌توانید عدم قطعیت و نااطمینانی را پایین بیاورید، سرمایه‌گذار ترجیح می‌دهد فعلاً سرمایه‌گذاری نکند؛ چون نمی‌داند بعدها مکانیسم قیمت‌گذاری چه خواهد بود؟ آیا می‌تواند صادر کند یا خیر؟ آیا مواد اولیه را می‌تواند به فلان قیمت مثلاً از بورس

● **چشم‌اندازهایی که در برنامه‌های توسعه‌ای ایران مطرح می‌شوند، بارها رویاپردازی و نگارش آرزو توصیف شده‌اند. اعداد و چشم‌اندازهای برنامه توسعه چقدر پشتوانه مطالعاتی دارند؟ ببینید! من واقعا نمی‌دانم که اعداد ذکرشده در برنامه‌های توسعه‌ای چقدر پشتوانه مطالعاتی دارد؛ ولی ارقامی که ذکر می‌شود، به نظرم یک ضرورت است و ما باید به آن پیش‌بینی‌ها برسیم. ممکن است با خود بگویید که این اعداد خیلی بلندپروازانه و رؤیایی است؛ اما نظر من این است که ما باید به این ارقام برسیم؛ یعنی ارقامی که در برنامه ششم توسعه و برنامه پنجم توسعه و ازجمله در برنامه هفتم توسعه آمده، ضرورت کشور است.**

● **در واقع شما می‌خواهید بگویید که علت محقق نشدن برنامه‌های توسعه‌ای، بلندپروازی نیست؟**

همین‌طور است. علت محقق‌نشدن برنامه‌های توسعه‌ای این است که زیرساخت تحقق برنامه‌های توسعه‌ای فراهم نیست و روش یا متدولوژی، متدولوژی کارآمدی نیست؛ ضمن اینکه در عمل هم به نظر می‌آید که بخشی از اصول رعایت نمی‌شود و نهایتاً عامل نیروی انسانی است که شیوه مدیریت و اجرای کارآمدی ندارد.

● **بحث همین است که چرا برنامه‌های توسعه با زیرساخت‌ها همخوانی ندارد؛ به‌عنوان مثال کشوری که گرفتار شدیدترین تحریم‌هاست، چگونه می‌خواهد تا پایان برنامه هفتم توسعه تورم تک‌رقمی داشته باشد؟**

تورم یک عامل ندارد؛ بلکه مجموعه عواملی هستند که نتیجه آن در نرخ تورم، نرخ رشد و نرخ ارز متجلی می‌شود. به نظر من اگر همان چند هدفی که در مقدمه برنامه هفتم توسعه آمده، محقق شود، تورم به ۹،۵ درصد سال آخر برنامه یعنی سال ۱۴۰۶ می‌رسد؛ ولی آیا با این دست‌فرمان و با این شیوه عمل سیاست‌گذاران فعلی این عدد محقق می‌شود یا نه، من فکر می‌کنم خیلی بعید است. چرا؟ چون برای اینکه تورم یک‌رقمی بشود، شما باید رشد نقدینگی را کنترل کنید و شما نمی‌توانید نقدینگی را دستوری و با آرزو پایین بیاورید.

● **برای کاهش تورم و کاهش نرخ بی‌کاری نیاز به افزایش تولید ناخالص داخلی است. بدون رفع تحریم چگونه می‌توان تولید ناخالص داخلی را افزایش داد؟**

همین‌طور است. برای کاهش تورم و کاهش رشد نقدینگی نیاز به افزایش تولید واقعی و تولید ناخالص داخلی است تا نقدینگی تقریباً با آن متناسب شود و این خلق نقدینگی باعث تورم نشود؛ بلکه باعث افزایش سرمایه شود. در برنامه هفتم توسعه هم میزان تشکیل سرمایه ثابت و... دیده شده است. البته برای این کار، مقدماتی لازم است. شما اگر می‌خواهید سالانه و به طور میانگین رشد هشت‌درصدی داشته باشید، ایران باید از حدود ۳۷۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی فعلی به حداقل ۵۰۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی برسد؛ یعنی سالانه ۱۳۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی افزایش داشته باشد. در این شرایط نیاز است که صادرات نفت در سال ۱۴۰۶ سه میلیون بشکه باشد و تولید و صادرات محصولات پتروشیمی تقریباً دو برابر شود و ایران باید ۵۰ میلیون تن محصولات پتروشیمی تولید و صادر کند. بدیهی است که همه اینها سرمایه‌گذاری می‌خواهد.

● **آقای دکتر ناترازی انرژی چقدر می‌تواند دستیابی به رشد اقتصادی هشت‌درصدی را مختل کند؟**

این نکته، نکته بسیار مهمی است؛ چراکه ما برای افزایش صادرات پتروشیمی و فولاد باید حداقل ۱۵ تا ۲۰ نیروگاه جدید احداث کنیم. درست است که ظرفیت تولید برق از ۹۰ هزار مگاوات بیشتر شده؛ ولی با توجه به راندمان موجود بیشتر از حدود ۴۰ هزار مگاوات برق تولید نمی‌شود. در این شرایط باید حداقل ۱۵ هزار مگاوات به تولید برق اضافه شود تا بشود کارخانه‌های پتروشیمی و کارخانه فولاد را چرخاند و بعد

ادامه از صفحه اول

در ضرورت سیاست‌ورزی

چنان‌که رئیس جدید اتاق در اولین سخنرانی خود با اشاره به «ضرورت امنیت به‌عنوان مؤلفه مهم و حیاتی برای سرمایه‌گذاری و دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و...» عنوان کرد: «اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران باشگاه سیاسی نیست». درواقع مشکل اساسی نحوه ایجاد توازن بین ملاحظات سیاسی و اقتصادی و تعریف اقتدار دولت در چارچوبی است که امکان فعالیت آزاد و سالم بخش خصوصی در زمینه‌ای رقابتی، امن، روشن و توام با پویایی فراهم شود.

۲- اما سبویه دیگر این ماجرا دولت و نماینده آن در این حوزه یعنی وزیر «صمت» است که از مدت مسئولیت او نیز مانند رئیس اتاق ایران چند هفته‌ای پیش نمی‌گذرد و در مقام «رئیس شورای نظارت بر اتاق ایران» فشار زیادی را برای دخالت در امر انتخابات اخیر این نهاد تحمل می‌کند؛ اما تاکنون شاید به‌ناچار سکوت کرده است؛ چراکه اگر بخواهد بر این اعتقادش که «بازار کشور باید بازار رقابتی کامل باشد و... دولت نباید مستقیماً در بازار رقابتی دخالت داشته باشد»، صادق باشد و بتواند وعده‌های بزرگی مانند «حمایت تولید مشترک با برندهای معتبر دنیا و کاهش عدم قطعیت محیط‌های کلان و ایجاد زنجیره ارزش و حمایت از نوآوری و...» را که در برنامه خود وعده داده عملی کند، نیازمند همراهی و همکاری فعالان بخش خصوصی و نهادهای نمایندگی‌کننده آنان است. به‌ویژه آنجا که از «بازآفرینی و اصلاح حکمرانی بخش صنعت و معدن با تأکید بر تنظیم‌گری، تسهیل‌گری و نظارت و کاهش تصدی‌گری» سخن می‌گوید. به نظر می‌رسد وزیر جدید صمت بر این امر آگاه است که «صنعت» صرف ایجاد کارخانجات و نصب ماشین‌آلات و تولید محصولاتی طبق برنامه و خواست دولت و فروش آنها در بازاری کنترل‌ی نیست؛ بلکه «توسعه صنعتی» به‌عنوان مرحله‌ای از توسعه اقتصادی و گذار به توسعه همه‌جانبه و عامل کلیدی برای ارتقای بهره‌وری دیگر بخش‌های اقتصادی و توسعه مناسبات اجتماعی در زمینه‌ای از امنیت حقوق و مالکیت فردی، مشارکت اجتماعی، مناسبات خوب خارجی، ثبات در اقتصاد کلان و محیط مناسب کسب‌وکار و نظایر آنها ممکن می‌شود.

درواقع «صنعت» باید نقش اصلی را در روند توسعه‌ای کشور داشته باشد و راهنمای سیاست‌گذار در تدوین سیاست‌های پولی، ارزی و تعرفه‌ای و... باشد. فراتر از آن، سیاست خارجی کشور (صادرات و سرمایه‌گذاری خارجی و...) نظام قضائی (حقوق مالکیت، رسیدگی به دعای و...)، نظام آموزشی (آموزش نیروهای ماهر مورد نیاز برای صنعت و توسعه صنعتی و...) در رابطه با توسعه صنعتی تدوین و سامان یابد. نه آن‌چنان که در حدود دو دهه اخیر حاکم بوده و متأسفانه صنعت دست بالا را در فرایند و روند توسعه کشور نداشته و به جرح پنجم تبدیل شده است؛ اما تحقق توسعه صنعتی بستگی تام به تصویر آرمانی و بلندمدتی دارد که در ذهن مدیریت سیاسی جامعه از امر توسعه و جایگاه صنعت در این روند نقش بسته است؛ بنابراین اولین نقطه حرکت اصلاحی و تدوین فرایند توسعه صنعتی معقول حصول توافق درباره این تصویر است. متأسفانه تاکنون عمدتاً شاهد نگرش دولتی به مقوله «توسعه صنعتی» بوده‌ایم.

نگاهی مبتنی بر نظام سلسله‌مراتبی و تعریف اولویت‌ها و ارجحیت‌ها از بالا به پایین و براساس خواست و سلیقه و دستور به منظور توزیع منابع (رانت) به‌عنوان مهم‌ترین وظیفه سیاست‌گذار. نگاهی متضاد با رویکرد توسعه‌ای بخش خصوصی واقعی که خواستار بهبود فضای کسب‌وکار و حذف رانت‌ها و ایجاد امکان برآمدن بنگاه‌های کارآمد و خروج ناکارآمدها و نه اولویت‌گذاری‌های دستوری است.

اینکه «اتاق بازرگانی باشگاه سیاسی نیست» و تصمیم‌گیری اقتصادی دولت هم نباید از نقطه‌نظر صرف مصالح سیاسی باشد، منطق درستی است؛ چراکه «حداقل ۷۰ سال است که کانون حکمرانی و سیاست‌ورزی در جهان، اقتصادی است» (سریع‌القلم، ۱۴/۱۱/۲۷)؛ اما این مهم بدون نظام سیاسی شمول‌گرا (همان) امکان تحقق نخواهد داشت و این دو سکandar جدید در دولت و بخش خصوصی بدون سیاست‌ورزی و همسورکردن دیگر افراد و نهادهای تأثیرگذار نمی‌توانند به وظایف و مأموریت‌های خود در راستای توسعه اقتصادی و صنعتی به‌درستی عمل کنند؛ همان راهی که حدود ۱۴۰ سال قبل در یک نامه و یک دستور آغاز شد.

با ۱۰۰ هزار تومان موجودی در جشنواره قرعه‌کشی حساب‌های قرض‌الحسنه بانک گردشگری شرکت کنید

حداقل موجودی سپرده برای شرکت در قرعه‌کشی حساب‌های قرض‌الحسنه بانک گردشگری، یک میلیون ریال و مهلت شرکت در قرعه‌کشی تا پایان شهریور ۱۴۰۲ است.

به گزارش روابطعمومی بانک گردشگری، هر یک میلیون ریال موجودی روزانه در سپرده‌های قرض‌الحسنه برابر یک شانس قرعه‌کشی محسوب می‌شود.

دوره محاسبه امتیازات برای شرکت در قرعه‌کشی و اعطای جوایز از پنجم فروردین تا ۳۱ شهریور ۱۴۰۲ است و مراسم قرعه‌کشی ۱۰ مهرماه هم‌زمان با ایام ولادت پیامبر اکرم(ص) برگزار خواهد شد.

امکان افتتاح حساب هم به صورت حضوری از طریق شعب بانک و هم به صورت غیرحضوری توسط اپلیکیشن TOBANK (دانلود اپلیکیشن) و بدون هزینه صدور و ارسال کارت در منزل برای مشتری فراهم شده است.

جوایز در نظر گرفته‌شده برای قرعه‌کشی شامل انواع سکه بهار آزادی،



کمک هزینه سفر به عتبات عالیات، کمک هزینه خرید کالای ایرانی، کارت خرید و هزاران جوایز دیگر است.

این گزارش حاکی است متقاضیان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر در تمام ساعات شبانه‌روز و هفت روز هفته با شماره تلفن ۰۲۱۳۹۵۰ تماس بگیرند و از مشاوره کارشناسان بانک گردشگری بهره‌مند شوند.



اما این شرکت در راستای همراهی و همکاری با سیاست‌های وزارت صمت، محصولات خود را با نرخ‌های ذیل عرضه می‌کند، تأکید کرد: همچنان

نوع خودرو	قیمت پایه فروش	قیمت فروش مصرف‌کننده (با اضافه‌شدن هزینه بیمه، مالیات بر ارزش افزوده و...)
فیدلیتی-۱ (۵نفره)	۹.۹۱۰.۸۲۷.۶۸۵	۱۱.۲۳۵.۰۰۰.۰۰۰
فیدلیتی-۲ (۷نفره)	۱۰.۱۳۶.۶۵۳.۵۲۶	۱۱.۴۸۸.۰۰۰.۰۰۰
دیگیتی برایم	۱۱.۰۳۸.۶۶۳.۲۶۷	۱۲.۴۹۶.۰۰۰.۰۰۰
رئیسپکت	۸.۵۹۰.۱۰۲.۱۹۵	۹.۷۳۷.۶۰۰.۰۰۰